بيانات ديدار با مسؤولان كشوري و لشكري در نخستين روز از سال نو و در آستانه‌ي ماه مبارك رمضان - 1 /فروردين/ 1369

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحيم
متقابلا اين عيد سعيد را به آقايان محترم و به همه‌ي ملت ايران و به ايرانيان مستقر در همه‌جاي عالم و به ساير مسلمين، مخصوصا به مسلمانان بيدارشده‌ي آذربايجان شوروي ـ كه آنها هم امسال عيد نوروز را جشن گرفتند ـ تبريك عرض مي‌كنم و اميدوارم كه اين عيد و اين بهار، سرآغازي براي پيشرفتها و نيكروزيها و خوشبختيهاي بيشتر و ديگري براي ملت مسلمانمان باشد كه حقا اين ملت، با اين همه فداكاري و اخلاص و گذشت، شايسته‌ي بركات روزافزون الهي است.
آنچه مهم است، عمل و نيت ماست. نوروز، به‌معناي روز نو و حالت نو بوده و هست. از لحاظ طبيعت، روز اول حمل ـ كه اول بهار حساب شده است ـ روزي نو محسوب مي‌شود; ليكن روز نو، منحصر به تجديد وضعيتي در طبيعت نيست; همچنان‌كه در بعضي از روايات وارد شده‌ي در باب نوروز از ائمه‌ي هدي (عليهم السلام)، انسان خوب احساس مي‌كند كه آن بزرگواران هم، بنا به رسم اسلام ـ كه همه‌جا رسوم و سنتها و واژه‌ها را گرفت و محتواي آنها را عوض كرد ـ در مورد كلمه‌ي نوروز و روز نوروز، درصدد چنين كاري بودند. وقتي از امام (عليه‌السلام) سؤال مي‌كنند كه "ما النيروز؟"، حضرت ـ طبق بعضي از تعبيرات ـ مي‌فرمايند: "أتدري ما النيروز؟": مي‌داني كه نوروز چيست؟ نمي‌گويند، مي‌داني نوروز چه وقتي است; مي‌فرمايند، مي‌داني نوروز چيست؟
آن‌وقت در معناي نوروز و اين‌كه نوروز چيست، در روايات مختلف، تعبيرات مختلفي هست. مثلا آن روزي كه رسول اكرم (صلي‌الله عليه و آله و سلم)، اميرالمؤمنين را به خلافت منصوب كرد، آن روز، نوروز بود. يا در روايت ديگر، آن روزي كه دجال در آخرالزمان، به‌دست حضرت مهدي (ارواحنافداه) به قتل برسد، آن روز، نوروز است. يا حتي در بعضي از روايات آمده، آن روزي كه آدم هبوط كرد، آن روز، نوروز بود. نوروز، يعني روزي نو در تاريخ بشر و حالتي نو در زندگي انسانها. علي‌الظاهر در اين روايات، امام نمي‌خواهند بفرمايند كه آن روزي كه اين وقايع در آن اتفاق افتاده است، يا خواهد افتاد، با روز اول حمل، مصادف بوده يا خواهد بود. نه، خيلي مستبعد است كه مراد اين باشد; مراد اين است كه معناي نوروز را بفهميم.
نوروز، يعني روزي كه شما با عمل خودتان، با حادثه‌يي كه اتفاق مي‌افتد، آن را نو مي‌كنيد. روز بيست‌ودوم بهمن كه ملت ايران، حادثه‌ي عظيمي را به كمك خدا تحقق بخشيد، روز نويي (نوروز) است. آن روزي كه امام امت، قاطعا به دهان مستكبر قلدر گردن‌كلفت دنيا ـ يعني امريكا ـ مشت كوبيد، آن روز، روز نو و راه نويي (نوروز) بود; حادثه‌ي نويي بود كه اتفاق مي‌افتاد و افتاد. ما بايد نوروز را، نو روز كنيم. نوروز به حسب طبيعت، نوروز است; جنبه‌ي انساني قضيه هم به دست ماست كه آن را نوروز كنيم.
امسال اتفاقا بهار طبيعت، با بهار دعا و قرآن، همزمان شده است. چند روز ديگر، ماه مبارك رمضان شروع خواهد شد كه بهار نوسازي و خودسازي انسان و بهار انس با خداست. مگر مي‌شود از اين جنبه‌ي كار، غافل ماند؟ همه‌ي خطاها و اشتباهات، ناشي از نپرداختن به اين جنبه‌ي كار است. آن‌كه خطايش كمتر بود، آن‌كه دلش به نور معرفت و هدايت خدا منور بود، آن‌كه اشاره‌اش براي اين ملت و براي ما و براي عشاق اسلام در عالم، راهگشا و راهنما بود ـ يعني امام راحل عظيم ما ـ به اين جهت اين‌طور بود كه رابطه‌ي او با خدا، تأمين شده بود.
در دنيا، انقلابها، حكومتها، اداره‌ها و رياستها از آن‌جا عيب پيدا مي‌كند و منحرف مي‌شود كه از اين جنبه ـ يعني جنبه‌ي معنويت، جنبه‌ي رابطه‌ي با خدا، جنبه‌ي ارتباط و اتصال قلب به خدا ـ غافل ماندند و غافل مي‌مانند. ما هم اگر دقت كنيم، آن‌جايي كه پيش رفتيم، موفق شديم، خوب عمل كرديم و راضي هستيم، آن‌جايي است كه اين جنبه را تأمين كرديم. هرجا هم ضربه خورديم، به‌خاطر ضعف در اين جنبه‌ي كار است.
ارتباط با خدا را نبايد دست‌كم گرفت. همه چيز ما، در گروي اين رابطه است. اين رابطه است كه دل ما را قرص

مي‌كند، تا از دشمنيها هراس نكنيم. اين رابطه‌ي با خداست كه دلهاي ما را از محبت به مؤمنين و پويندگان راه خدا پرمي‌كند، تا اختلاف‌نظرها و اختلاف سليقه‌ها را نبينيم. اين رابطه‌ي با خدا و اتصال به خداست كه موجب مي‌شود، ما براي اهواي خودمان، حقيقت را زير پا نگذاريم و مصلحت را فداي غرض شخصي نكنيم. اين رابطه‌ي با خداست كه موجب مي‌شود، ما از راه خدا منحرف نشويم و از پيمودن اين راه، پشيمان و خسته و ملول نگرديم. اين رابطه‌ي با خدا، هميشه ممكن است و هيچ‌وقت دير و محال نيست.

زندگي انسان، دايما روي دو جاده‌ي موازي است. يك جاده آن است كه روندگان روي آن، دايم به سمت بالا مي‌روند. جاده‌ي ديگر، آن راهي است كه روندگان آن، به طرف سفل، به طرف پايين، به طرف دره و به طرف جهنم حركت مي‌كنند. اين دو جاده، در كنار هم و موازي با يكديگرند. خط سير اين دو جاده، كاملا مثل هم است. آنهايي كه به طرف سقوط و نزول و سفل حركت مي‌كنند، از همان‌جايي دور مي‌شوند كه پويندگان آن جاده‌ي ديگر، به آن‌جا نزديك مي‌شوند. آنها، از خدا دور مي‌شوند و به شيطان و دوزخ، نزديك مي‌گردند. آن كساني كه به طرف علو، به طرف بالا، به طرف تعالي، به سمت نور، به سمت خدا، به سمت توحيد و نزاهت اخلاقي و طهارت جان حركت مي‌كنند، از همان جايي دور مي‌شوند و فاصله مي‌گيرند كه آن گروه ديگر، به سمت آن سقوط مي‌كنند.

اين دو جاده، در طول مسير با يكديگر همسايه‌اند و حركت از يكي به آن ديگري، در كمال آساني است. راه، راه نزديكي است. اگر ما كه خداي نكرده، در جاده‌ي دوم حركت مي‌كنيم و از لحاظ اخلاق نفساني و شخصي، به سمت پايين مي‌رويم، اراده كنيم كه وارد آن جاده‌ي ديگر بشويم و به سمت بالا و تعالي حركت كنيم، در هر آني، اين كار ميسور است. "و ان راحل اليك قريب‌المسافه". كسي كه به‌سمت خدا حركت مي‌كند، راه او نزديك است. اگر بخواهيم وارد راه خدا بشويم، مسافت بسيار نزديكي است. اگر يك قدم برداريد، از اين جاده‌يي كه اهل آن، به‌سمت سقوط و به سمت پايين مي‌روند، وارد آن جاده‌يي مي‌شويد كه اهل آن، به‌سمت سعادت ابدي، به سمت نور، به سمت جايگاه صديقين و ملا اعلي، شتاب مي‌كنند.

از آن طرف هم، همين‌طور است. آن لحظه‌يي كه ما به خواهش نفسمان گوش مي‌دهيم و عملي كه انسان را از خداي متعال دور مي‌كند ـ العياذ بالله انجام مي‌دهيم، در آن لحظه، پا را از آن جاده به اين جاده‌يي كه ما را به طرف پايين مي‌برد، گذاشته‌ايم. در آن لحظه‌يي كه ما تصميم مي‌گيريم برخلاف اهواي نفساني خود حركت كنيم و با اين خودخواهي و غرور و تبعيت از شيطان نفس مخالفت كنيم ـ كه امام بزرگوار ما، دايما در طول اين ده سال و اندي، ما را از آن برحذر مي‌داشتند و در همه‌ي قضايا، به همه‌ي ما و به همه‌ي ملت ايران، از جمله به ما مسؤولان مي‌گفتند: مواظب باشيد، اسير آن نشويد ـ همان لحظه، از اين مسافت قريب كه "ان راحل اليك قريب‌المسافه"، پا را در آن جاده گذاشته‌ايم و به سمت بالا مي‌رويم. و اين، در ماه رمضان امكان‌پذير است. كنترل اهواي نفساني، در ماه رمضان آسانتر از هميشه است. پس، امسال نوروز ما، حقيقتا مي‌تواند نوروز باشد; نه فقط نوروز در طبيعت، بلكه نوروز در ذات و وجود و حركت خود ما. و امروز، اين بسيار مهم است.

امروز چشم جهاني، نگران من و توست. دنيايي متوجه اين ملت است. ميليونها دل، در هواي اين ملت و هدفهاي او، مي‌تپند. شما الگو شديد. شما "شهداء علي‌الناس" شديد. شما پرچمدار آزادي و ايستادگي در مقابل تحميل قدرتهاي ظالم و مستكبر جهاني شديد. امروز، ملتها جرأت مي‌كنند اظهار كنند كه مي‌خواهند زير بار قدرتهاي بزرگ نباشند. روزي بود كه اين جرأت، از ملتها گرفته شده بود و به آنها اجازه داده نمي‌شد. شما اين راه را باز كرديد. اين ملت، به دنيا شجاعت داد. رفتار اين ملت بود كه همراه با قاطعيت و هدايت قوي آن امام ملكوتي و رهبر بي‌نظير، راه را باز كرد; ملتها را تشجيع نمود; استكبار را كوچك كرد; به او احساس حقارت داد و معلوم شد كه انسانها و ملتها، داراي قدرتند. قدرت ذاتي ملتها را انكار مي‌كردند و آنها را به دست قدرتهاي پوشالي كشورها ـ كه عروسكهايي در دست قدرتهاي جهاني بودند ـ سپرده بودند. امروز، آن‌طور نيست كه ملتها قدرت ذاتي خودشان را نفهمند. امروز، ملتها بيدار شده‌اند. البته به‌حسب قدرت ظاهري، امروز استكبار در ميدان سياست و اقتصاد، خيلي قوي و درشت شده; اما به همين نسبت، آسيب‌پذيرتر، توخالي‌تر و در واقع، از قدرت ملتها ترسانتر است.

اين، وضع ملت ماست كه دنيا را اين‌گونه به وظايف و حقوقشان آشنا كرده است. بار اين مسؤوليت، بر دوش شما،

بخصوص مسؤولان است. بايد احساس كنيم كه چه مسؤوليت سنگيني بر دوش ماست. بايد مسؤوليت به سرانجام رساندن اين بار سنگين را درك كنيم. ما بايد لحظه‌يي غفلت و كوتاهي نكنيم; لحظه‌يي سردي و يأس و افسردگي را در هيچ‌كس ـ حتي در خودمان ـ تحمل نكنيم.
ما بايد با اميد پيش برويم; همچنان‌كه افق هم نورباران از اميد است. همه چيز، نشان‌دهنده‌ي اميد است و امروز وضعيت ما، با امكاناتي كه در اختيارمان است، وضعيت بسيار خوبي است. بحمدالله دولتي قوي، زمام امور را در دست دارد. اين هم از نعم الهي است كه در رأس دولت، يك عالم، يك فقيه، يك مبارز سابقه‌دار، يك چهره‌ي شناخته شده و محبوب و امتحان‌داده و مورد تأئيد و محبت دايمي امام، با همكاراني خوب، با برنامه‌يي محكم و اميدبخش و با حمايتي عمومي از سوي مردم، قرار دارد. بحمدالله مجلس هم بيدار، آگاه، مسؤوليت‌شناس، بكلي فارغ و مبرا از تأثير توطئه‌هاي جهاني و مستقل، در كنار دولت قرار گرفته است. اين، وضعيت فوق‌العاده ارزنده‌يي است كه در اختيار ملت ماست. كافي است كه ما با نيت پاك و نيك، عمل كنيم و براي خدا اقدام نماييم.
اين درس را هم امام (ره) به ما آموختند كه عمل و اقدام، براي نتيجه نيست. نتيجه، در آن نيت خالصي است كه شما در حين اقدام داريد. نتيجه با خداست; ما بايد تكليفمان را انجام بدهيم. خوشبختانه، اين انجام تكليف در طول اين يازده سال، همراه با نتايج بوده است.
ما امروز، ملتي آگاهتر، هوشيارتر، كارآمدتر و مجربتر داريم و مي‌توانيم پيش برويم. دشمن هم بايد بداند كه اين ملت، آن روزي كه اول كارش بود، استكبار را درست آزمايش نكرده بود، ممكن بود تهديد و ارعاب و تطميع دشمنان جسيم و علي‌الظاهر بزرگ خود را در دنيا جدي بگيرد و فريب بخورد، آن روز از تهديد و تحبيب و تطميع دشمنان، فريب نخورد. امروز كه مجرب شده، راهي طولاني پشت سر گذاشته، آگاهيهاي مضاعفي پيدا كرده، دوستان و دشمنان را در صحنه‌ي بين‌المللي، بيش از هميشه شناخته; به طريق اولي، گول تهديد و تطميع دشمنان بزرگ را نخواهد خورد.
اميدواريم كه خداوند توفيقاتش را شامل حال همه‌ي شما برادران و خواهران عزيز بفرمايد و قلب مقدس ولي‌عصر (ارواحنافداه) را از ما راضي كند و روح مطهر امام عزيز را هم از ما خشنود بگرداند.

والسلام عليكم و رحمه‌الله و بركاته